

# به سوی صورت بندی مجدد روش شناسی اقتصاد

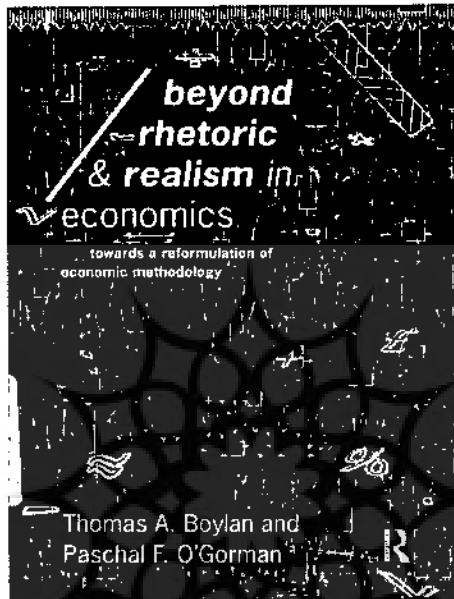
اشاره:

فرا سوی خطابه و واقع گرایی در علم اقتصاد (به سوی صورت بندی مجدد روش شناسی اقتصاد) اثری است از توماس بویلان (Thomas Boylan) و پاسکال اگورمان (Paschal O'Gorman) که از بدو انتشار به سال ۱۹۹۵ تاکنون چه بسیار نگاه‌ها را معطوف به خود کرده است. مقاله ذیل، منتشره به سال ۱۹۶۶ در مجله ادبیات اقتصادی، در زمره فراوان نقد و نظریاتی است که در باب این اثر جنجالی منتشر شده است. نویسنده مقاله، «اسر میر جام سنت» از دانشگاه تردادام است.

فراهم آوردن تبیین‌های علی بر حسب ساختارهای مولد و پنهان. برخلاف واقع گرایی لاوسونی، مدعای این کتاب آن است که کارکرد اصلی نظریه عبارت است از ارائه توصیف‌های دقیق از جهان واقع و نه تبیین آن. علاوه بر این، استدلال می‌شود که معرفت ما به علت‌ها، علی الاصول محدود به پدیده‌های مشاهده پذیر است. ماکي اشکال مختلف واقع گرایی (realism) و واقع گرایی (realistieness) را از یکدیگر متمایز می‌نماید تا بتواند به تجزیه و تحلیل آثار روش شناختی اقتصاددانان بپردازد. نویسندگان کتاب، بدین دلیل ماکي را مورد انتقاد قرار می‌دهند که وی از طبقه بندی نظری خود صرفاً به مثابه ابزاری جهت مقاصد تفسیر گرایانه بهره می‌جوید و داوری در مورد مزایای نظریه های اقتصادی خاص را مسکوت می‌گذارد.

در این کتاب، با الهام از نظریه کل گرایانه کواین درباره معنا، استدلال می‌شود که تمام توصیف‌های علمی، گرانبار از نظریه هستند. مولفین با تاثیر پذیری از تجربه گرایی ساختاری ون فراسن معتقدند که اقتصاددانان باید توجه خود را معطوف کفایت تجربی الگوهای خود نموده و تبیین علمی را در قلمرو علوم کاربردی جای دهند نه علوم محض. در دیدگاه کل گرایی علی آنها، علم محض به کفایت تجربی نظریه علمی معطوف می‌شود و این امر شامل ارایه توصیف‌هایی از علت‌های مشروطی می‌شود که در جهان مشاهده پذیر برقرار هستند، در حالی که هدف علم کاربردی فراهم آوردن تبیین‌های علمی است. اصطلاح کل گرایی دلالت بر این واقعیت دارد که نظریه، برای توصیف دقیق واقعیت ضروری است. اصطلاح علی ناظر بر این واقعیت است که توصیف‌های دقیق در باب علت‌های مشاهده پذیر واقعی، جزء لاینفک علم محض می‌باشد.

برای خوانندگانی که علاقه فراوانی به رویه علمی علم اقتصاد دارند، نکات آموزنده اندکی در این کتاب وجود دارد. گرچه نویسندگان آن مدعی‌اند که چارچوب آنها عمدتاً ریشه در رفتار عملی اقتصاددانان دارد، ولی به علم اقتصاد بدان سان که اجرا می‌شود چندان توجهی نمی‌شود. لاقول توجه به سه دغدغه فکری مهم، به شدت از قوت استدلال نویسندگان در دفاع از کل گرایی علی می‌کاهد. اولاً، آنها هیچ توضیحی نمی‌دهند که چگونه می‌توان کفایت توصیفی نظریه‌ها را اثبات کرد. از آنجا که کفایت توصیفی، معیار مبهمی برای گزینش نظریه است، کل گرایی علی هیچگونه راهنمای عملی برای گزینش میان نظریه‌های مختلف ارایه نمی‌کند.



محمد استوار

از آنجا که کفایت توصیفی، معیار مبهمی برای گزینش نظریه است، کل گرایی علی هیچگونه راهنمای عملی برای گزینش میان نظریه‌های مختلف ارایه نمی‌کند



خوانندگانی که علاقه شدیدی به مسایل فلسفی و روش شناختی داشته باشند، نکات فراوانی از این کتاب خواهند آموخت. این کتاب، ارزیابی و توصیف بسیار دقیقی از برنامه‌های پژوهش واقع گرایی و خطابه در روش شناسی علم اقتصاد ارایه می‌دهد

در سال‌های اخیر توجه به روش شناسی علم اقتصاد فزونی یافته است. برخی معتقدند که علت این امر آن است که اقتصاددان‌ها به خوبی گذشته عمل نمی‌کنند و سنتز کینزی - نئوکلاسیک در علم اقتصاد از هم فرو پاشیده است. دیگران این امر را ناشی از افزایش به کارگیری علم اقتصاد در سایر علوم اجتماعی به مثابه الگویی برای پژوهش و بررسی می‌دانند. سرانجام، شاید بتوان این افزایش توجه را ناشی از تحولات جدید در فلسفه علم دانست. به ویژه آنکه فیلسوفان علم علاقه فزاینده‌ای به تجزیه و تحلیل رویه واقعی علم از خود نشان داده و برخی نیز توجه خود را معطوف علم اقتصاد کرده‌اند.

یک رشته از نوشته‌ها در باب روش شناسی اقتصاد که مثل قارچ نیز رشد کرده‌اند، عبارت است از نقد ایطال گرای. گرایش دیگر بیانگر علاقه دانشمندان به «تفسیر رویه» از طریق خطابه (rhetoric) یا تحلیل گفتمان، جامعه شناسی معرفت علمی یا تحلیل فلسفی رویه عملی دانشمندان بوده است. این کتاب در مقوله اخیر جای می‌گیرد. در این کتاب تحلیل خطابه در دیره مک کلاسی (Deirdre McCloskey) و آرچو کلامر (Arjo Klamer) و نقد واقع گرایانه تونی لاوسون (Tony Lawson) و اوسکالی ماکي (Maki Uskali) موشکافانه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. برخلاف دو دیدگاه فوق الذکر، مؤلفان چارچوبی مبتنی بر «کل گرایی علی» را تدوین می‌کنند که ملهم از آثار ویلارد کواین (V. Quine) و یس ون فراسن (Van Fraassen) است. Bas

مطابق نظر مک کلاسی و کلامر، خطابه، چارچوب بخردانه‌ای فراهم می‌آورد که درون آن می‌توان رویه واقعی روش شناختی علم اقتصاد را توضیح داد. در این کتاب چنین استدلال می‌شود که کلاسیک در بازنمایی خطابه اقتصادی، مردد و دودل است. نویسندگان کتاب در ادامه ادعا می‌کنند که سواي معیار خطابه، معیارهای متمایز دیگری نیز برای ارزیابی علم اقتصاد وجود دارد. مطابق نقد آنها از کلامر، وی نتوانسته است نشان دهد که مفهوم حقیقت چگونه می‌تواند در چارچوب خطابه به دست آید. در عوض، نویسندگان کتاب معتقدند که شواهد تجربی، حکم نهایی در علم اقتصاد است.

هم لاوسون و هم ماکي موضوعات محوری واقع گرایی علمی در فلسفه اقتصاد را به روشنی بیان می‌کنند. مطابق دیدگاه واقع گرایی انتقادی یا متعالی لاوسون، هدف اصلی نظریه اقتصادی عبارت است از



## کتابی نو در حوزه روانشناسی اجتماعی

روانشناسی اجتماعی: رهبری و قدرت: تأثیرات از تباط جمعی؛  
افکار عمومی و فعالیت سیاسی  
ادوین پی. هولنسر و همکاران  
احمد زبانی  
آستان قدس رضوی (به نشر)  
۱۳۷۸، ۴۶۵ صفحه

مرتضی کتبی  
عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

«که می‌تواند شامل وادار کردن زهر شود»  
فویایی که این نقش را در بر می‌گیرد مستلزم مساعدت  
از راه هیات نمایندگی هوشمندانه‌ای است»  
«قدرت در شرایط شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد»

همچون در مورد مکان هندسی مشهود کنترل»  
«ضروری است تحولاتی را که دیدگاه‌های معاصرتر را  
وجود آورده‌اند بشناسیم.»

«بخش عمده‌ای از مسأله زنان در مقام رهبر در عقاید  
منسوخ درباره فعالیت و استیلا نهفته است»  
«مدیران زن اساساً متفاوت از مردان نیستند دقیقاً موردتأیید  
داده‌ها قرار نگرفته‌اند»

«ریاست جمهوری مضمونی است که مثالهایی آماده از  
نیاز به این مفهوم گسترده‌تر، که مثلاً می‌توان آنرا در کلیشه  
لزوم «رهبری قوی» مشاهده کرد ادامه می‌دهد و حتی جمله‌ای  
در پشت جلد کتاب:

«... بویژه از موضوعهایی است که بیش از همه بحث‌ها  
و گفتگوهای را در روان‌شناسی اجتماعی به خود معطوف داشته  
است»

وصدا جمله از این دست تسلط ایشان را به زبان مادری  
و نثر علمی نشان نمی‌دهد و قرائت کتاب را بسیار خسته کننده  
می‌سازد.

علاوه بر ضعف‌های ترجمه و نگارش، اشکالات دیگری  
نیز در کار است که ذیلاً فهرست می‌کنیم.

(۱) در شناسنامه کتاب آمده: «این کتاب ترجمه فصل  
بسیست و دوم از کتاب Hand Book of social  
psychology می‌باشد در حالی که در یادداشت مترجم  
می‌خوانیم: «انتخاب فصلهای ۲۲، ۲۳ و ۲۵ برای چاپ در این  
مجلد صرفاً به دلیل سنجیت این فصلها با هم بوده است.»

(۲) معلوم نیست به چه علت نام مولفان فصول ۲ و ۳  
حذف و به جای آن در روی جلد از عبارت «همکاران» استفاده  
شده است. اصطلاح همکاران در فرهنگ علمی به کسانی  
اطلاق می‌شود که در یک کار مشترک شرکت داشته باشند در  
حالی که چه بسا پژوهشگران کتاب اصلی دو جلدی وسی  
فصلی کمترین همکاری - بنا به تخصص خود - یا یکدیگر  
نناشته‌اند.

(۳) فهرست منابع و مأخذ فصلها از انتهای هر فصل و  
پایان کتاب حذف شده است. مترجم این کار خود را «به دلیل  
حجم بیش از حد فهرست‌ها» توجیه می‌کند. با توجه به غنای  
مراجع که خواننده کنج‌کاو و متخصص را به پیگیری کار  
ترغیب می‌نماید حذف آنها چنانچه گناه نباشد اشتباه علمی  
تلقی می‌شود.

به هر تقدیر، ضمن تشکر از مترجم محترم، موفقیت وی  
را در ادامه کار خواهیم.

باز هم کتاب معتبر دیگری در رشته شیرین روان‌شناسی  
اجتماعی انتشار یافته در واقع این کتاب که حاوی سه فصل  
۲۲، ۲۳ و ۲۵ می‌باشد از یک اثر دو جلدی مشتمل بر ۳۰ فصل  
برگرفته شده است.

مترجم با انتخاب این سه فصل نشان داده که مایل است  
بر جنبه مهمی از روان‌شناسی اجتماعی که «فترت جمعی» است  
تکیه کند. با توجه به کمبود اطلاعات در این زمینه از علوم  
اجتماعی ما، این انتخابه حسن سلیقه و مشکور است.  
سه فصل بالا عبارتند از (۱) رهبری و قدرت، اثر ادوین پی.  
هولنسر، استاد دانشگاه دولتی نیویورک در ۱۳۲ صفحه (۲) تأثیرات  
ارتباط جمعی نوشته داند اف. رابرتس و ناتان مکوی در ۱۳۰  
صفحه و بالاخره (۳) افکار عمومی و فعالیت سیاسی بقلم داند  
آر. کینر و دیوید. اسیرز در ۱۹۴ صفحه.

ارزش کار همه پژوهشگرانی که دست به تنظیم این اثر  
حجیم علمی زده‌اند در جامعیته انسجام و تحلیل داده‌های آن  
است به طوری که مجموعه این از ساختار پژوهشی معتبر و  
بیشرفته‌ای برخوردار شده و شکل کاملاً پژوهشی به خود  
گرفته است. مراجع بیشتر فراوانند از مابینها بسیار غنی و گویا  
شواهد زنده و اطلاعات به روز.

فصل نخست که به موضوع مهم قدرت و در نتیجه  
رهبری می‌پردازد این پدیده‌های پیچیده اجتماعی را از دیدگاه‌های  
مختلف موردبررسی قرار می‌دهد و الگوهای مختلف موجود را  
معرفی می‌کند و رابطه بین انواع رهبری‌ها را با مردم به تصویر  
می‌کشد.

فصل دوم که برای جامعه علمی ما کمتر تازگی دارد به  
ارتباط جمعی اختصاص یافته و کارکردها، فرایندها و الگوهای  
استفاده را در هر یک از رسانه‌ها بویژه تلویزیون و مطبوعات  
نشان می‌دهد.

فصل سوم به ماهیت افکار عمومی و انواع فعالیت‌های  
سیاسی، انتخاب‌های جمعی، مشارکت‌های اجتماعی و نیز  
نقش رسانه‌ها در این فعالیت‌ها می‌پردازد.

بی هیچ شکی، نشر کتاب حاضر در عرصه علوم اجتماعی  
در ایران می‌تواند بسیار مفید باشد. زیرا جنبه‌های بسیار حساس  
و ظریفی که در هر ۳ فصل به تحلیل کشیده شده از نظر  
موضوعات، فرضیه‌ها، نظریه‌ها و تنوع پژوهش‌ها آفاق بازی را  
در مطالعات پیش چشم ما می‌گشاید.

با وجود این نمی‌توان نادیده انگاشت که فایده این کتاب  
چند برابر می‌شد اگر ترجمه آن بهتر از آنچه که هست انجام  
می‌گرفت. نثر دشوار و بعضاً مغلول کتاب این فکر را در خواننده  
سرگردان و عصبی ایجاد می‌کند که مترجم محترم نو پاست و  
با علوم اجتماعی آشنائی کافی ندارد و با انتخاب چنین کتاب  
پر جاذبه و علمی برای ترجمه بیگانه به آب زده است. متأسفانه  
جملاتی از قبیل: «شود بین یک رهبر و پیروان»

نویسندگان کتاب، ادعای کنند که  
سواى معیار خطابه، معیارهای متمایز دیگری  
نیز برای ارزیابی علم اقتصاد وجود دارد.  
سؤال اصلی آنها این است که مفهوم حقیقت  
چگونه می‌تواند در چارچوب خطابه  
به دست آید



ثانیاً آنها توضیح نمی‌دهند که چگونه می‌توان آن دسته  
از ساختارهای علی را که ارزش شناخت دارند مشاهده  
کرد. بنا بر یک تفسیر اقتصادسنجی این ساختارها را در  
قالب دستگاه معادلات همزمان می‌توان مشاهده کرد.  
اما بسیاری از اقتصادسنجان نشان داده‌اند که مسئله  
غامض گزینش الگو در چنین چارچوبی، توسل به  
تخمین‌های ساختاری را در پژوهش‌های تجربی با  
بن‌بست کامل مواجه می‌کند.

تفسیر دیگری که از دیدگاه اقتصادسنجی در مورد  
ساختارهای علی ارائه شده است، مبتنی بر مشاهده  
روابطی تاریخی است که نسبتاً پایدار به نظر می‌رسند.  
اما، آن دسته از اقتصادسنجان که چنین مفهوم غیرنظری  
از علیت را تلویحاً نموده‌اند، اذعان دارند که چنین مفهومی  
به واسطه محدودیت‌هایش با درک متعارف ما از علیت  
مغایر است. علاوه بر این، مدعای نویسندگان مبنی بر  
اینکه نظریه ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، برخلاف چنین  
تفسیری از مشاهده‌پذیری علت‌ها می‌باشد. ثالثاً،  
نویسندگان کتاب، الگوسازی ریاضی را به عنوان هدف  
فرعی نظریه اقتصادی محض رد می‌کنند و بدین ترتیب  
بسیاری از آثاری را که اقتصاددانان هم اینک در دست  
دارند، نادیده می‌انگارند، از باب نمونه، مباحث وجود،  
منحصر به فرد بودن و پایداری [تعادل] از طریق  
مشاهده‌پذیری هدایت نمی‌شوند.

برخلاف آنچه نویسندگان کتاب سعی در قبولاندن  
آن به ما دارند، مفهوم مشاهده‌پذیری نقش عمده‌ای در  
تحول علم اقتصاد بازی نکرده است. به علاوه، تمایزی  
که آنها میان اقتصاد نظری و کاربردی قایل می‌شوند  
زمانی اعتبار خود را از دست خواهد داد که توجه داشته  
باشیم در رویه عملی علم اقتصاد، موفقیت در تبیین  
پدیده‌ها نقش قابل ملاحظه‌ای در ارزیابی نظریه‌ها و  
عللی ایفا می‌کند که خود جزء عوامل تبیین‌کننده  
محسوب می‌شوند.

خوانندگانی که علاقه شدیدی به مسایل فلسفی و  
روش‌شناختی داشته باشند، نکات فراوانی از این کتاب  
خواهند آموخت. این کتاب ارزیابی و توصیف بسیار دقیقی  
از برنامه‌های پژوهش واقع‌گرایی و خطابه در  
روش‌شناسی علم اقتصاد آرایه می‌دهد. هم چنین نکات  
مطروح در این کتاب یکی از معدود مباحث مربوط به  
روش‌شناسی

علم اقتصاد است که در آن اذعان می‌شود فلسفه  
تحلیلی معاصر سرشار از عکس‌العمل‌های گوناگون است  
به فروپاشی فلسفه علم پوزیتیویستی.